

بررسی شاخصه‌های مناظر مقدس، نمونه موردی: "سیدان" در استان فارس

هما ایرانی بهبهانی^۱، زیبا شیرزاد*^۲، علی اکبر مؤمنی^۳

۱-دانشیار گروه طراحی محیط دانشگاه تهران hirani@ut.ac.ir

۲-دانش آموخته کارشناسی ارشد مهندسی طراحی محیط دانشگاه تهران

۳-دانشجوی دکتری برنامه ریزی شهری دانشگاه UPM مالزی- جهور Momeni96@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۰/۲/۱۰

چکیده

ایران با تمدن ۲۵۰۰ ساله خود در طول تاریخ شاهد تغییرات فراوانی در عرصه‌های مختلف بوده است. اما آنچه با مطالعه بستر تمدن‌های گوناگون در ایران قابل درک است، این است که در طول تاریخ با وجود تحولات گوناگون رخ داده در حکومت‌ها و مذهب‌ها، ایران دارای پیشینه طولانی در مورد مسائل مذهبی و گرامیداشت عناصر طبیعی است که در برخی مواقع این تقدس منجر به حفاظت گونه‌ها، آبها و مناظر خاصی شده است. این مناظر اغلب از ارزش‌های اکولوژیک بالایی نیز برخوردارند و از لحاظ شکل و عناصر فیزیکی منظر، شکل ابتدایی خود را حفظ کرده‌اند که در تشخیص موزاییک منظر بسیار مؤثرند. یکی از این مناظر، "سیدان" از توابع شهرستان مرودشت در استان فارس است که از لحاظ عناصر طبیعی- بیولوژیک بسیار غنی بوده و شاخصه‌های بارز فیزیکی طبیعی فراوانی را در خود جای داده است. از سوی دیگر وجود باقیمانده تمدن قدیمی هخامنشیان از جمله آتشکده و بازمانده قصری مربوط به آن دوره، این محدوده را تبدیل به منظری خاص با شاخصه‌های معنوی و روحانی فراوانی در طول زمان کرده است. در این مقاله سعی خواهد شد تا با بررسی دقیق معانی معنوی مرتبط با مناظر طبیعی، بازبانی آن در اسناد تاریخی و پیگیری آن در سیر خاطره جمعی ساکنان بومی از طریق مصاحبه با آنها، خصوصیات منظر سیدان به عنوان منظر با ارزش از لحاظ شاخصه‌های معنوی، استخراج شود؛ از سوی دیگر همزمان از طریق مشاهده و تحلیل عکس‌های هوایی خصوصیات فیزیکی و طبیعی این منظر نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرد. همزمانی این دو روند سبب می‌شود تا این منظر با ارزش با دیدی کل‌گرا مطالعه شود که منجر به کشف ارتباطات و پیوستگی آن با محیط فرهنگی و طبیعی اطراف آن خواهد شد.

کلید واژه

سیدان، منظر مقدس، عناصر طبیعی، ارزش‌های فرهنگی و مذهبی، خاطره جمعی

سر آغاز

و شرایط بیولوژیکی، فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و در یک کلام کلیه امور معنوی، روانی و مادی انسان شکل گرفته‌اند (نقی‌زاده، ۱۳۸۲). اما آنچه امروزه مطرح می‌شود، دیدگاه کل‌گرا نسبت به کلیه قلمروهای زندگی انسانی است که هیچ یک از حیطه‌های زندگی انسان را به صورت مجزا ندیده و آنها را در ارتباطات پیچیده و تبادلات دایمی با هم می‌پندارد. چنین دیدگاهی آثار حیطه‌های مختلف زندگی انسان را بر هم مورد بررسی قرار داده؛ به دنبال روشی است تا با استفاده از تصحیح این روابط، آثار ناشی از آنها را به سمت پایداری قلمروها هدایت کند. بنابراین در این تحقیق با بررسی همزمان قلمروهای مادی، معنوی و روانی، تلاش در

مروری بر ویژگی‌هایی که در مقوله حیات معنوی و زندگی مادی انسان مطرح هستند، حاکی از آن است که انسان از جهات متعددی نیازمند تماس با طبیعت و در نتیجه لزوم حفاظت از آن است. این نیازها را با توجه به جنبه‌های مختلف زندگی انسان در سه حیطه می‌توان مورد بررسی قرار داد:

۱- قلمروی معنوی و روحانی

۲- قلمروی روانی و نفسانی

۳- قلمروی مادی و جسمانی (نقی‌زاده، ۱۳۸۲). محیط و

فضای زیست انسان، متشکل از کلیه اجزایی است که تحت قانون‌ها

حال حاضر شبکه‌ای گسترده؛ اما ناشناخته از مقدسات در سراسر دنیا وجود دارد. برخی محققان معتقدند که تعداد سایت‌هایی که بر مبنای تقدس حفاظت می‌شوند، بسیار زیاد است (WWF, 2005). با این حال بسیاری از آنها هم به دلیل قطعه قطعه شدن زمین‌ها، از بین رفتن سکونتگاهها، توسعه‌های زیربنایی، منازعات تملکی و کم‌رنگ شدن اعتقادات مذهبی در خطر از بین رفتن قرار دارند (Khumbongmayum, et al., 2004). اعتقادات باستانی نقش بسزایی در شکل‌دهی به ساختار منظر و محیط در جهان باستان بویژه ایران داشته است. در این میان برخی اعتقادات نقش پررنگ‌تری از سایرین به خود گرفته است. به عنوان مثال طرح چهارباغ که یکی از شاخص‌ترین الگوهای طراحی محیط در باغهای ایرانی تلقی می‌شود، براساس اعتقاد به چهاربخشی بودن جهان شکل گرفته است.

طرح چهارباغ با تأکید بر مفهوم بی‌نهایت در راستای جهات چهارگانه، تصویری نمادین از جهان باستان است. همچنین دین مزدایی به عنوان دین باستانی ایران دارای نکات زیادی در خصوص برنامه‌ریزی و کاربری زمین و اصول شهرگرایی در کتاب مقدس اوستا است که این مسئله، بویژه توجه مزداییسم را به شهر و طبیعت به‌طور همزمان بیان می‌دارد (رستنده، ۱۳۸۶).

در ایران نیز تعداد سایت‌های که بر مبنای اصول اعتقادی و فرهنگ جوامع محلی حفاظت می‌شوند، کم نیست. درختان مقدس، آبهای مقدس و عناصر فیزیکی نظیر کوهها که تقدیس شده‌اند، با توجه به گذر فرهنگ‌ها و مذاهب از دیرباز مورد توجه ایرانیان بوده است. از مهم‌ترین و غنی‌ترین این مناظر، می‌توان به مناظر فرهنگی، طبیعی و باستانی فارس اشاره کرد که از دیرباز مهد تمدن‌های کهن ایران بوده است.

این سرزمین در برگیرنده عناصر مهمی از ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها، از جمله سیاست، قانون‌های اجتماعی، اقتصادی، تمدن و فرهنگ، اعتقادات مذهبی و غیره بوده است که همین مسئله سبب اهمیت ویژه آن و توجه متخصصان سراسر دنیا به این منظر شده است. تشکیلات سیاسی-اجتماعی پارسه و پاسارگاد و قانون‌های اجتماعی و اقتصادی استفاده شده برای اداره آنها، شهر مقدس اصطخر که همگی آنها در بستر طبیعی بسیار غنی از تنوع زیستی و عناصر فیزیکی شکل گرفته‌اند، از جمله جوامع انسانی با کاربری‌های مختلف هستند. یکی از مناظر غنی موجود در فارس "سیدان" است که از لحاظ عناصر طبیعی و تاریخی بسیار غنی بوده و تجمع عناصر

معرفی قلمرویی دارد که پایدار بوده و تمامی اجتماعات در آن به سطح مطلوب زندگی دست یابند. خصوصیات چنین قلمرویی، در مفهومی با عنوان "مناظر مقدس" قابل درک است که تعداد آن در ایران با توجه به قدمت تاریخی و مذهبی آن کم نیست. مناظر مقدس مناظری هستند که ضمن دربرگرفتن عناصر اعتقادی آن جامعه خاص، دارای ارزش‌های بالای اکولوژیک و طبیعی نیز هستند.

تقدس در عناصر طبیعی

اغلب سایت‌های مقدس حفاظت شده توسط ساکنان آن، مکانهایی هستند که در برگیرنده یک یا بیشتر از عناصر اعتقادی آن جامعه هستند. این سایت‌ها شامل عناصر طبیعی مقدس و عناصر ساخته شده مقدس هستند. در این جوامع رابطه‌ای از نوع همزیستی میان تنوع زیستی و فرهنگ وجود دارد. طبیعت، نور، هوا، غذا و آب را طی فرایندهای زنده و تجدیدپذیر برای بقای انسان تولید می‌کند. این آگاهی از وجود زندگی در طبیعت به عنوان پیش شرط زندگی انسانی، موجب پرستش نور، آب و هوا شده است. در اغلب جوامع با پیشینه طولانی تمدن، اعتقادات مذهبی و شعائر دینی (بدون تغییر در قلمروی فرهنگ) بسیار در هم آمیخته با مدیریت اکوسیستم‌ها و حفاظت از تنوع زیستی با روشهای مختلف است؛ به گونه‌ای که مذهب، به عنوان اولین منبع تشخیص خوب از بد، تبدیل به اولین منبع قانونگذاری و تدوین مدل‌های اخلاقی و اجتماعی برای زندگی محترمانه با طبیعت است.

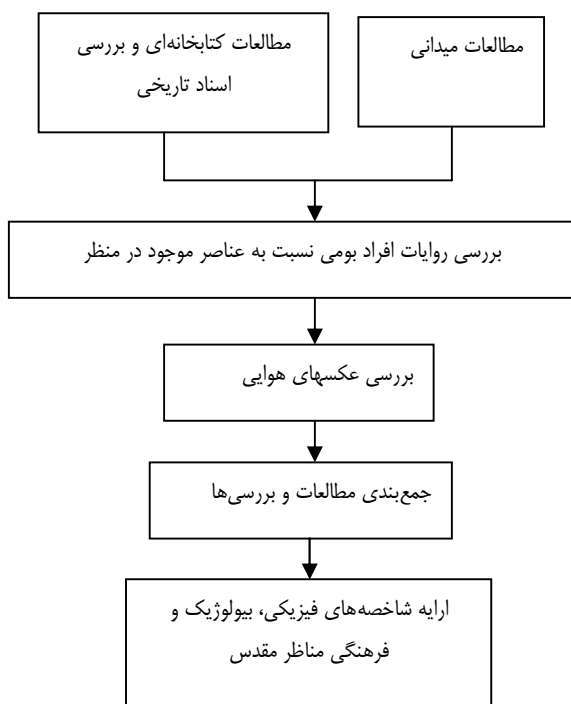
با وجود تفاوت‌های زیاد در مذاهب مختلف، در تمام آنها طبیعت در برگیرنده کدهای مذهبی "وجدان" و "آداب معاشرت" است که سبب شکل‌گیری نگرش و نحوه ارتباط رهروان آن مذهب با طبیعت می‌شود (Anthwal, et al., 2010).

از دیدگاه Anthwal و همکاران رابطه همزیستی موجود میان تنوع زیستی و فرهنگ، شاخص مهمی برای تضمین توسعه‌های انسانی مبتنی بر پایداری است. Cairns هم در مقاله خود در خصوص تقدس در طبیعت چنین می‌نویسد: رابطه جدیدی میان انسان و زمین بر مبنای اعتقاد به مقدس بودن زمینی که انسان را احاطه کرده است، لازم است تدوین شود تا پایداری آن تضمین شود. او همچنین اظهار می‌دارد چنین رابطه‌ای نه تنها از آسیب به طبیعت جلوگیری می‌کند، بلکه سبب بازسازی مناطق آسیب‌دیده طبیعی نیز می‌شود (Cairns, 2002). سایت‌ها مقدس شاید قدیمی‌ترین متد در حفاظت از سکونتگاهها بر روی زمین بوه‌اند و در

وجود عناصر باستانی قابل تأمل، طبیعت خاص و سنت دیرینه ساکنان بومی در حفظ و نگهداری عناصر طبیعی و دست‌ساز به عنوان عناصر مقدس، همچنین شباهت آن به دو شهر باستانی پارسه و پاسارگاد، فرضیه "سیدان، حلقه ارتباطی پارسه-پاسارگاد" را تقویت می‌کند. از آنجایی که تا به امروز تحقیقات جامعی در این خصوص انجام نشده و تحقیقات صورت گرفته نیز آن را به صورت لکه جداگانه از بستر خود بررسی کرده‌اند، در این تحقیق سعی شده تا با بررسی ویژگی‌های مختلف این محدوده، ارتباط میان آن با منظر اطراف درک شود. از سوی دیگر استخراج شاخصه‌های کلی برای تشخیص مناظر مقدس با استناد به شواهد موجود در شهر سیدان از دیگر اهداف این تحقیق است.

فرایند تحقیق

از آنجا که موضوع اصلی تحقیق ریشه در باورهای مردم داشت، پیمایش منطقه و مصاحبه با افراد محلی به عنوان اصلی‌ترین روش در تدوین رهیافت اصلی برای درک عناصر مقدس و تداوم آنها در طول تاریخ مورد استفاده قرار گرفت. در انجام این تحقیق، از مطالعات کتابخانه‌ای و اسناد تاریخی استفاده شد. عکس‌های هوایی برای درک بهتر پیوستگی مناظر با یکدیگر مورد بررسی قرار گرفت. نمودار شماره (۱) فرایند تحقیق را نشان می‌دهد.



نمودار شماره (۱): فرایند تحقیق

(منبع: نگارندگان)

طبیعی و انسان‌ساز مقدس، آن را تبدیل به منظری مقدس کرده است.

مواد و روشها

شهر سیدان مرکز بخش سیدان با مساحت ۱۳۰ هکتار یکی از قدیمی‌ترین سکونتگاههای شهرستان مرودشت به شمار می‌رود که در شمال شرقی شیراز قرار دارد. سیدان در طول جغرافیایی ۵۳ درجه شرقی و عرض جغرافیایی ۲۹ درجه شمالی قرار گرفته و در ارتفاع متوسط ۱۶۱۰ متر از سطح دریا قرار دارد. میزان جمعیت آن ۷۷۶۶ و عمده فعالیت افراد در این شهر کشاورزی از نوع تولیدات زراعی گندم، ذرت، کلزا، گوجه فرنگی، برنج و ... و تولیدات باغی شامل انار، انگور، گردو، بادام، زردآلو و هلو است^۱. از نظر طبیعی در شمال این شهر رشته کوههای مهر واقع شده که جزء بلندی‌های زاگرس محسوب می‌شود؛ در جنوب نیز اراضی دشتی و مسطح وجود داشته که دو پدیده مهم توپوگرافی منطقه‌اند و سیمای خاصی به این سرزمین بخشیده‌اند. به طور کلی در مقایسه با شهرهای اطراف سیدان، تنوع ارتفاعی زیاد، پوشش گیاهی انبوه، منابع آبی غنی و شیب نسبتاً زیاد را می‌توان از ویژگی‌های این منطقه دانست. رودخانه پلوار در غرب از دیگر خصوصیات سیمای سرزمینی این محدوده است که بیشتر چشمه‌ساران سرچشمه گرفته از قنات‌های سیدان به آن ختم می‌شود.

اهداف تحقیق

از لحاظ ویژگی‌های باستانی نیز این شهر در میانه مسیر پارسه تا پاسارگاد قرار گرفته است که با توجه به شواهدی مبنی بر وجود تمدن هخامنشی در این شهر، اهمیت آن را به عنوان حلقه پیوند دهنده این دو شهر باستانی دوچندان می‌کند (عکس هوایی شماره ۱)



عکس شماره (۱): داده ماهواره‌ای پردازش شده از منطقه پارسه

و پاسارگاد (بهبهانی و همکاران، ۱۳۸۹)

سیدان و نشانه‌های تقدس آن

و "سیستم‌های تقسیم آب" مربوط به همان دوره اشاره کرد. نکته قابل توجه در این مجموعه، ترکیب عناصر طبیعی و عناصر انسان‌ساز به عنوان تکمیل‌کننده یکدیگر است؛ بدین مفهوم که تمام عناصر انسان‌ساز با در نظر گرفتن بستر و شاخصه‌های طبیعی احداث شده‌اند و در ترکیب با یکدیگر مجموعه‌ای تاریخی-طبیعی را به وجود آورده‌اند که دارای خصوصیات بارزی از اعتقادات و باورهای ساکنان آن در دوران‌های مختلف است. پرفسور Donald Whitcomb شرق‌شناس دانشگاه شیکاگو، اظهار می‌دارد با توجه به برخی شواهد این مکان مکانی مقدس است. Whitcomb در مقاله خود که در سال ۱۹۶۹ در بولتن آسیا به چاپ رسیده است چنین می‌نویسد: در نزدیکی شهر اصطخر یک دروازه نمادین با سنگ آهکی خاکستری (عکس شماره ۲) ساخته شده است. این ساختار طوری جهت دهی شده است که گویی از میان دره به سیدان و باقیمانده‌های عصر هخامنشیان می‌نگرد این بقایا چه کاربری‌هایی می‌تواند داشته باشد؟ شاید این محل یکی از معادنی باشد که که سنگ‌های ساختمان‌های پارسه و سایر سایت‌های هخامنشی را تولید می‌کرده است. اما موقعیت ویژه جغرافیایی قصرقلات یک فرضیه دیگر را مطرح می‌سازد. احداث بر روی ارتفاع مشرف به دشت و پشت به کوه و صخره‌های افراشته این گمان را پدید می‌آورد که این مکان یک قلعه و ارگی نظامی بوده است. شاید هم این مکان محل استراحت یکی از اشرافزاده‌ها و سران ایران باستان بوده است. بلندی کوه و وجود دو چشمه در پشت، این مکان را تبدیل به یک مکان امن، حاصلخیز و حتی رویایی کرده است. همچنین وفور آب، موقعیت قرارگیری این ساختار در بالاترین نقطه‌ای که امکان ساخت و ساز وجود داشته است، وجود پاره‌ای عناصر یک مقبره (عکس شماره ۲)، تماماً بر مقدس بودن و مذهبی بودن این محل دلالت دارند. شاید همان‌طور که هرودوت نوشته است این فضای باز محلی برای انجام مناسک مذهبی بوده است (Whitcomb, 1969).

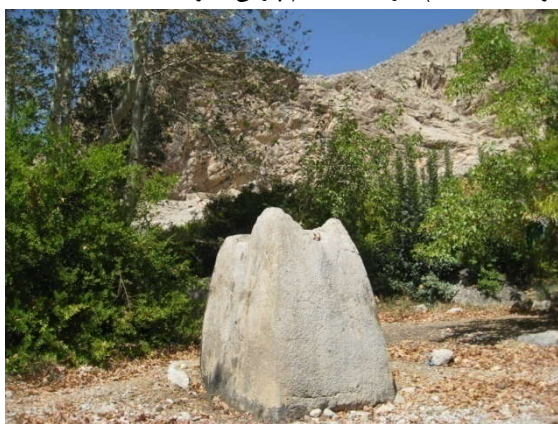


عکس شماره (۲): دروازه شهر اصطخر به سمت سیدان

(منبع: نگارندگان - تیر ۱۳۸۸)

هخامنشیان عادت باستانی کوچ کردن را فراموش نکردند، و معمولاً همه سال را در یک جا به سر نمی‌بردند، بلکه بر حسب اقتضای آب‌وهوا، هر فصلی را در یکی از پایتخت‌های خود سر می‌کردند. در فصل سرما، در بابل و شوش اقامت داشتند، و در فصل خنکی هوا به همدان می‌رفتند که در دامنه کوه الوند بود و هوای لطیف و تازه و خنک داشت. این سه شهر، «پایتخت» به معنی اداری و سیاسی و اقتصادی بودند، اما دو شهر دیگر هم بودند که «پایتخت آیینی» هخامنشیان به‌شمار می‌رفتند، یکی پاسارگاد که در آنجا آیین و تشریفات تاجگذاری شاهان هخامنشی برگزار می‌شد، و دیگری «پارسه» که برای پاره‌ای تشریفات دیگر به کار می‌آمد. این دو شهر «زادگاه» و «پرورشگاه» و به اصطلاح «گهواره» پارسیان به‌شمار می‌رفت، و گور بزرگان و نام‌آوران آنان در آنجا بود و اهمیت ویژه‌ای داشتند؛ به عبارت دیگر، اینها مراکز مذهبی ایرانیان هخامنشی بودند، مانند اورشلیم و واتیکان، که نظر به اهمیت آیینی خود، مرکز ثقل بسیاری از حوادث بوده‌اند. البته از این دو تخت‌جمشید بیشتر اهمیت داشته است و به همین دلیل، اسکندر مقدونی آن را به عمد آتش زد تا گهواره و تکیه‌گاه دولت هخامنشی را از میان ببرد و به ایرانیان بفهماند که دیگر دوره فرمانروایی آنان به سر آمده است (ابن بلخی، قرن پنجم هجری شمسی). اهمیت پاسارگاد به عنوان مدفن کورش کبیر و به نوعی میراث ماندگار او برای هخامنشیان بعدی، در زمان‌های بعد نیز تجلی یافت و با ساخت پارسه، هخامنشیان با توجه به طبع کوچ‌نشین و تمایل آنها برای امتداد و ارتباط میراث گذشته با زندگی کنونی همواره در صدد ایجاد ارتباط بین این دو پایتخت آیینی بوده‌اند. البته می‌توان این گونه برداشت کرد که با توجه به این‌که پاسارگاد در زمان ساخت پارسه از رونق برخوردار بوده است، بنابراین وجود مسیرهای ارتباطی بین این دو شهر امری بدیهی بوده و شواهد موجود نیز این امر را تأیید می‌کنند. سیدان یکی از مناطقی است که در میانه این مسیر واقع شده و دارای تعدادی آثار باقیمانده از عهد هخامنشیان است. از زبان مردم محلی این مطلب نقل می‌شود که این مکان استراحتگاه جمشید (مردم محلی با توجه به اسطوره‌هایشان به جای پادشاهان هخامنشی از پادشاه افسانه‌ای، جمشید نام می‌برند) بوده است. از عناصر مهم باستانی موجود در این منطقه که مبین سلطه تمدن هخامنشی بر آن است، می‌توان به "آتشکده باغ بدره"، "باقیمانده ساختمانی متعلق به دوره هخامنشی"، "قبرستان هفتصد ساله"

همان‌طور که از نوشته ویت کمب مشخص است، احتمال این‌که این مکان، مذهبی باشد تقویت می‌شود. وجود یک آتشکده در باغ بدره این ظن را تقویت می‌کند. (عکس شماره ۵) در گزارش‌های باستان‌شناسی ذکر شده است: این آتشکده که متعلق به عصر هخامنشیان است، در حدود ۲ متر ارتفاع دارد و از سنگ تراشیده شده است و اینک نیز جنبه مذهبی دارد و پیرامون آن ساکنین دهات مجاور مراسمی دارند و نذرهایی می‌کنند (وزارت فرهنگ، ۱۳۳۹). در کتاب اقلیم پارس ذکر شده است:



عکس شماره (۵): آتشکده باغ بدره

(منبع: نگارندگان - تیر ۱۳۸۸)

در یکی از باغ‌های دوردست سیدان که باغ بدره نام دارد تخته سنگی که آتشدان عهد هخامنشی است، به بلندی ۲/۱۵ متر نزدیک به کوهستان و به مسافت کمی از استخر آب و چشمه سارهای گوشه باغ قرار دارد و آنرا به صورت هرم مربع القاعده درآورده‌اند و گودال و جای آتش بر بالای آن دیده می‌شود و هم اکنون نیز مکان متبرکی بوده و مقابر مردم در نزدیکی آن است و مزار امامزاده فاطمه (بی بی سلطان) نام دارد و زیارتگاه ساکنان آن حدود، به خصوص در روزهای جمعه است. و علامتی از چوب با دخیل و پارچه‌هایی به آن می‌بندند که در کنار آتشدان مذکور بر زمین نصب می‌کنند- نزدیک آن آتشدان‌های سنگی ساده دیگر در سنگ‌های کف باغ موجود است. (مصطفوی، ۱۳۴۳).

دیدگاه‌های ایرانیان نسبت به تقدس عناصر طبیعی در طول تاریخ

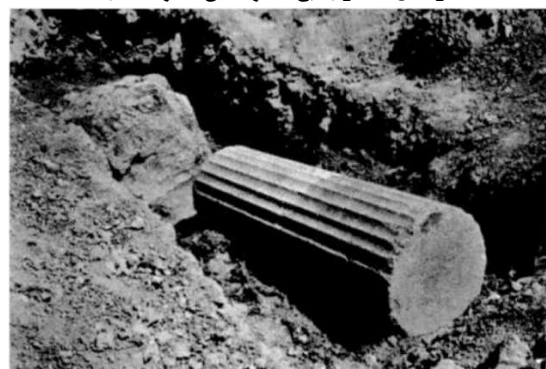
همان‌طور که قبلاً ذکر شد، تعداد عناصر و مناظر مقدس در ایران با توجه به پیشینه طولانی تمدن آن، فراوان بوده و تا امروز نیز ارزشهای دینی و فرهنگی آن همچنان باقی است. اهمیت این موضوع زمانی نمود می‌یابد که با مطالعه اسناد تاریخی در ایران،

در کتاب اقلیم پارس آمده است آثار عهد هخامنشی قره قلات (قصر قلات) در دامنه کوهستان متصل به سیدان و به مسافت دو کیلومتری باغ بدره، تنگه کوچکی وجود دارد که دو چشمه باریک از آن جاری است و برای مشروب ساختن چند باغ کفایت می‌کند - نزدیک تنگ مزبور بر فراز بلندی مختصر کوهستان، صفت کوچکی به وسعت دویست تا سیصد متر مربع ترتیب داده‌اند که تعدادی قطعه ستون هخامنشی (یکی به طول یک متر و نیم از سنگ سیاه و دو قطعه کوچکتر و یک ته ستون نیمه تراش، در آنجا باقی مانده است- این محل به نام قره قلات خوانده می‌شود و نام کوهستان مجاور نیز قره قلات است (در حال حاضر از آن به نام کوه سیدان یاد می‌کنند) - از میان این صفت کوچک منظر زیبایی آبادی سیدان و تمام جلگه خفرک تا کوه رحمت در معرض چشم انداز فرد قرار می‌گیرد که چنین تصور می‌رود که در روزگاران قدیم سایبان، یا استراحتگاه، یا محلی برای غذاخوری و امثال آن در این نقطه احداث کرده و از منظر مصفا و موقعیت طبیعی آن بهره‌مند می‌شوند... (مصطفوی، ۱۳۴۳) (عکس شماره ۳ و ۴).



عکس شماره (۳): باقیمانده ستون‌های بنای هخامنشی

در حال حاضر (منبع: نگارندگان - تیر ۱۳۸۸)



عکس شماره (۴): ستون‌های موجود از قصر هخامنشی در سیدان

(منبع: ویت کمب در سال ۱۹۶۹)

حتی دستهایشان را نمی‌شویند و دست شستن دیگران را هم در آب نمی‌پذیرند و به رودخانه احترام می‌گذارند. استرابون نیز با تکیه بر نوشته هروودوت می‌گوید: ایرانیان در آب جاری خود را شست و شو نمی‌دهند، زمانی که ایرانیان به دریاچه، یا رود، یا چشمه‌ای می‌رسند، گودال‌های بزرگ کنده و قربانی در کنار آن می‌کشند و سخت پروای آن دارند که هرگز خون به آب نیامیزد، چون این کار سبب آلودگی آب خواهد شد و در جایی دیگر می‌گوید: در آن (آب) لاشه و مردار نمی‌اندازند و عموماً آنچه ناپاکی است در آن نمی‌ریزند.

کریستین سن نیز می‌گوید: ایرانیان احترام به آب را بیش از هر چیز واجب می‌شمرند. ایرانیان، آبی را که اوصاف سه گانه‌اش (رنگ، بو و مزه) تغییر می‌یافت، برای آشامیدن و شست و شو استفاده نمی‌کردند. شهر سیدان به دلیل محصور بودن در میان کوه از موقعیت ویژه‌ای از لحاظ منابع آبی برخوردار است. چشمه‌های فراوان سرچشمه گرفته از کوهساران سبب ایجاد باغهای فراوان در قسمت‌های بلندتر و کشتزارهای وسیع در قسمت‌های پایین‌تر شده است. این منطقه دارای بیش از ۲۰ چشمه است. از جمله این چشمه‌ها می‌توان به چشمه انجیره، چشمه دوروی، چهل دختران (چهل اخگران)، سرآسیاب، سیدعبدین، چشمه خونی و ... اشاره کرد. در گذشته نیز ۵ قنات وجود داشته است که در سرتاسر منطقه گسترده شده‌اند اما درحال حاضر بیشتر این قنات‌ها بایر شده‌اند.

سیستم تقسیم آب نیز در این منطقه قدمتی برابر عهد هخامنشیان دارد. در منطقه سیدان ۲ استخر بزرگ تقسیم آب وجود دارد که یکی در باغ بدره و دیگری در منطقه‌ای است به نام قصرقلات. این استخرها در ابتدای بافت مسکونی و در پایه کوه ایجاد شده است. ویت کمب در مقاله اش این استخرها را متعلق به دوره معاصر می‌داند، اما برخی از کارشناسان محلی معتقدند این استخرها بر روی بقایای استخرهای موجود در عهد هخامنشیان احداث شده است. آب چشمه‌ها که از کیفیت بسیار بالایی برخوردار است وارد این استخرها شده و از آنجا تقسیم شده و وارد باغها می‌شود. از این چشمه ساران، تعدادی نیز ادامه یافته و در میان زمین‌های کشاورزی پایین دست روان می‌شود. این آب علاوه بر مشروب ساختن باغها و کشتزارها، آب آشامیدنی مردم منطقه را تأمین می‌کند.

آب از احترام ویژه‌ای در بین اهالی شهر سیدان برخوردار است. بیشتر اماکن متبرکه و زیارتگاههای این منطقه (شایان ذکر است مردم این منطقه افراد بسیار مذهبی‌اند. بنابراین مناطق زیارتی در

می‌توان حتی به قانون‌هایی در خصوص ارزش و تقدس عناصر طبیعی و نگهداری از آنها اشاره کرد. ایرانیان باستان از دیرباز با آگاهی از اهمیت حفظ محیط زیست و جلوگیری از آلودگی هوا از ورود مواد آلاینده به آن خودداری می‌کردند. یافته‌های تحقیقات نشان می‌دهد که ایرانیان باستان به عنوان یکی از کهن‌ترین و ممتازترین تمدن‌های بشری از بسیاری موارد که به بهبود کمیت و کیفیت زندگی انسان منجر می‌شده کاملاً آگاهی داشته‌اند و این موارد که به‌ظاهر از رهیافت‌های تمدن‌های معاصر است در واقع جزئی از آداب و فرهنگ این دیار کهن بوده است، مثلاً ایرانیان باستان بر اساس تعالیم دین زرتشت، که نخستین مبادی یکتاپرستی بوده، آلوده کردن آب را از گناهان بزرگ می‌شمرده‌اند و همچنین خداوند یکتا را به سبب آموزش در حفظ محیط زیست سپاس می‌گفتند. همچنین در تعالیم اسلام نیز بر محافظت و رفتار محترمانه با محیط زیست و طبیعت تأکید شده و آن‌را به عنوان سندی بر وجود خالق توانا برشمرده‌اند، چنانچه در رسائل اخوان صفا^۲ آمده است: بدان که ساختن شیء به صورت کامل و محکم نشانه هستی صانع و حکیم و داناست، اگرچه صانع آن از ادراک دیده‌ها محجور باشد. پس خردمند در احوال نباتات تأمل کند به ناچار خواهد دانست که این موجودات به دست صانع حکیمی خلق شده است (نصر، ۱۳۷۷). همان‌طور که از این متن برمی‌آید، طبیعت بازتاب دهنده توانایی خالق آن بوده که تقدس آن خالق در آن نمود پیدا می‌کند؛ بنابراین احترام و تفکر در آن ناگزیر است.

اهمیت آب به عنوان عنصر مقدس در سیدان

ایرانی‌ها به طبیعت به عنوان مظهر الهی احترام می‌گذاشتند و مقدس می‌شمرند و می‌گفتند اینها از پدیده‌های ایزدی و مقدس است. بنابراین نمی‌توانند دست آلوده به آب بزنند، آب را گل‌آلود کنند زیرا آب به این پاکی و شفافیت را که برای پاک کردن فرستاده‌اند، چرا باید آلوده شوند؟

وسواس ایرانیان در پاک داشتن این عناصر زیانزد یونانیان بوده است. هروودوت و گزنفون درباره این خصلت نوشته‌اند: ایرانیان هیچ چیز آلوده و کثیفی را در آب نمی‌ریزند و در پاک نگه‌داشتن خاک و زمین مراقبت می‌کنند. آنها اعتقاد دارند که خداوند این جهان شادی‌آفرین را با همه زیبایی برای بهره‌برداری و استفاده آنها آفریده و آنها می‌باید مانند فردی امین در حفظ آن بکوشند؛ بنابراین جلوگیری از آلوده کردن آن جزئی از آداب و رسوم و اعتقادات آنها بوده است. هروودوت همچنین می‌نویسد: ایرانیان در هیچ رودخانه‌ای

پارکی در حاشیه این چشمه کرده است. آب این چشمه بعد از گذر از میان این پارک، وارد باغهای میوه اطراف می‌شود.

استخر موجود در باغ بدره و قصرقلات عکس شماره (۷) نیز از کاربری مشابهی برخوردارند و افراد برای تفریح به این مکان‌ها مراجعه می‌کنند. همان‌طور که مطالعات نشان می‌دهد، آب یکی از عناصر فیزیکی‌ای که به وفور در سیدان یافت می‌شود، به عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر تشکیل دهنده ساختارهای مذهبی این شهر نیز مورد احترام ساکنان این شهر واقع است. این رسم از دیرباز در این منطقه شایع بوده و همچنان ادامه دارد.



عکس شماره (۷): سیستم تقسیم آب مربوط به دوره هخامنشی

(منبع: نگارندگان - تیر ۱۳۸۸)

اهمیت گیاهان به عنوان عناصر مقدس در سیدان

احترام و تقدس درخت از دیرباز در ایران مطرح بوده است. ایرانیان قدیم همچنین معتقد به فرشته مقدسی به نام "اورز" بودند که صدمه زدن به گل و گیاه باعث خشم او می‌شد (دیبا و انصاری، ۱۳۷۴). در هوسپارم نسک که به عنوان منبع نظام جزایی ایران در عهد باستان شناخته می‌شد، درباره گناه آنان که گیاهان را آزار می‌رسانند و درختان را می‌برند، ذکر شده و کیفی که دادگاه برای آنها باید تعیین کند مشخص شده است.

در اوستا کتاب مقدس زرتشتیان نیز گیاهان ستایش شده‌اند و از بین بردن آنها جرم محسوب می‌شود. در آن دوران حتی کندن یک برگ از درخت هم گناه بود و فقط در شرایط خاصی با استناد به برخی قانون‌ها از بین بردن یک درخت مقدور بود. در سکاٹوم نسک که از دیگر سری قانون‌ها جزایی در ایران باستان است نیز بر از ریشه کن کردن گیاهان طبی تاکید خاصی شده که گناه در پی دارد (جنیدی، ۱۳۸۳).

این شهر بیشتر از حد معمول است) در کنار آب واقع شده‌اند. چشمه چهل دختران یکی از مکان‌های متبرک این منطقه است. این چشمه که در ارتفاع ۱۷۱۲ متری و بالاتر از قسمت‌های مسکونی شهر قرار گرفته است تبدیل به زیارتگاه شده است. آب این چشمه متبرک بوده و افراد محلی برای تبرک شدن به این مکان می‌روند. در ضمن به دلیل وفور آب با کیفیت بالا از این مکان برای تفریح نیز استفاده می‌شود. "حوض ماهی" (عکس شماره ۶) که یکی از جذابیت‌های این منطقه است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده به گونه‌ای که با نصب تابلو در اطراف این چشمه به مردم درباره مقدس بودن آن آگاهی می‌دهند (وزارت فرهنگ، ۱۳۳۹). داخل این حوض ماهیان قزل آلابی وجود دارد که مطابق نقل‌های محلی از هزاران سال قبل در این چشمه زندگی می‌کرده‌اند. آب این چشمه نیز دایمی بوده و به گفته ساکنان حتی در سالهای خشکسالی نیز بی آب نمانده است. از آداب زیارت در این محل غذا دادن به این ماهی‌ها و دخیل بستن به درخت انجیر است. هیچ یک از ساکنان در این حوض ماهیگیری نمی‌کنند و معتقدند در صورت خوردن ماهی‌ها فرد دچار بیماری خواهد شد.



عکس شماره (۶): حوض ماهی

(منبع: نگارندگان - تیرماه ۱۳۸۸)

از دیگر استفاده‌های مردم منطقه از آب فراوان موجود، ایجاد تفرجگاههایی است که خاصیت منطقه‌ای دارد. در اطراف چشمه‌های این منطقه پارک‌هایی احداث شده که علاوه بر استفاده ساکنان منطقه برای تفریح در آن، مورد استفاده ساکنان شهرهای اطراف به خصوص در روزهای پایانی هفته قرار می‌گیرد. یکی از این چشمه‌های پرآب، "چشمه سرآسیاب" است. آب این چشمه که از کیفیت بالایی برخوردار است و شهرداری منطقه اقدام به احداث

این مکان رفته است، توصیه کرد برای شفا گرفتن دخیلی به درخت توت بسته و شمعی در بالای آتشکده روشن کند. (عکس شماره ۸)



عکس شماره ۸): درخت توت کنار آتشکده که مردم محلی به

آن دخیل می بندند

(منبع: نگارندگان - آذر ۱۳۸۸)

باغ اناری (باغ بدره) که در آن آتشکده عهد هخامنشیان واقع است هم از تقدس خاصی برخوردار است. به عنوان مثال این باغ با آنکه حصار و دروازه خاصی ندارد، اما همیشه مورد عنایت ساکنان بوده و افراد بدون چشمداشت به محصول انار فراوانی که این باغ می‌دهد، از این باغ مراقبت می‌کنند. استفاده از انارها، سایه‌های خنک باغ در روزهای گرم تابستان و آبهای روان و خنک این باغ ارزانی تمام افراد بوده و همگان اجازه استفاده از آن را دارند اما به شرطی که هر فرد به اندازه خودش از محصولات باغ بهره برد و صدمه‌ای نیز به آن نرساند. افراد محلی از طریق احترامی که برای درختان این باغ قائلند و تقدسی که از دیرباز در تفکر آنها نسبت به این باغ و سایر گیاهان وجود داشته است، از درختان مراقبت به عمل می‌آورند.

با بررسی مقالات و نوشته‌های بسیار اندکی که در خصوص این منطقه نوشته شده است، می‌توان به این نکته پی برد که گیاهان از گذشته در این منطقه مقدس بوده‌اند. دونالد ویت کمب، استاد دانشگاه شیکاگو که در حدود ۴۳ سال پیش از این منطقه دیدن کرده است با استناد به گفته هرودت، فرضیه مقدس بودن این مکان را مطرح کرده است (Whitcomb, 1969). هرودت در توصیف آداب تقدیس کردن قربانی‌ها توسط پارسیان چنین گفته است: " برای قربانی کردن نه محرابی تهیه می‌کنند و نه آتشی و نه شرابی بر زمین می‌ریزند و نه نی می‌زنند. استعمال تاج گل نیز در این مواقع معمول نیست، هرکس بخواهد قربانی کند تیاری بر سر

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، گیاهان از دیرباز نزد ایرانیان از اهمیت ویژه‌ای داشتند که در برخی از موارد به دلیل آمیخته شدن حس احترام نسبت به گیاهان با رسومات مذهبی، گیاهان نیز اهمیت قدسی پیدا کرده و به منزله ظهور و بروز نیروهای ماورالطبیعه شناخته می‌شدند.

با توجه به احداث ارگ پارسه در مرودشت که به اعتقاد برخی مورخان این شهر فقط محل انجام مراسم آیینی بوده است، بروز دیدگاه مقدس مآبانه نسبت به گیاهان، امروزه در سیدان به عنوان نزدیک‌ترین شهر به ارگ پارسه و وجود شواهدی مبنی بر حضور تمدن هخامنشی در آن، قابل مشاهده است و می‌توان این‌گونه برداشت کرد که احترام نسبت به گیاهان نشأت گرفته از دیدگاه باستانی ساکنان این سرزمین است.

پوشش گیاهی این منطقه علاوه بر تأمین قوت غالب افراد منطقه، دارای تقدس خاصی در این شهر است، به طوری که اغلب مکانهای مقدس در این منطقه به نوعی در ترکیب با گیاهان ایجاد شده و درخت دارای نوعی خصلت ماورایی برای مردم این شهر است. درختان انجیر و توت که به صورت خودرو در جای جای این منطقه روییده‌اند از اهمیت خاصی برای مردم منطقه برخوردارند. اغلب افراد ضمن مراجعه به مکان‌های مقدس برای زیارت، اقدام به بستن دخیل به درختان می‌کنند و معتقدند درختان مراد می‌دهند. بنابراین احترام ویژه‌ای برای درختان قائل‌اند.

درخت انجیر کنارحوض ماهی در سیدان یکی از این درختان است. ساکنان محلی به این درخت دخیل می‌بندند و به عنوان یکی از عناصر اصلی زیارتی در این محل مورد قبول ساکنان است. نقل‌هایی بین افراد محلی وجود دارد که هر کس به این درخت آسیبی برساند توسط نیروهای ماوراءالطبیعه به شدت مجازات می‌شود.

یکی از زنده‌های محلی که برای زیارت به محوطه حوض ماهی آمده بود برای نگارنده توضیح داد چندی پیش فردی شبانه اقدام به بریدن قسمتی از درخت انجیر حوض ماهی کرده بود که پس از مدتی به تاوان قطع درخت فرزند خود را از دست داده است.

درخت توت کنار آتشکده سیدان نیز از موقعیت مشابهی برخوردار است. به واسطه رویداد در کنار آتشکده (که در حال حاضر توسط افراد محلی مقبره بی بی سلطان نامیده می‌شود) تقدس یافته و مراد دهنده ساکنان محلی شده است، به طوری که یکی از پیرزنان ساکن در سیدان به گمان این‌که نگارنده به منظور زیارت به

عنوان مثال تبدیل آتشفشان دوره هخامنشی به مقبره بی بی سلطان در سیدان به عنوان مکان مقدس)

۵- تداوم شکل کالبدی فضاهای طبیعی و انسان‌ساز مقدس در طول تاریخ با وجود تغییرات مختلف از قبیل سیل، زلزله، آتشفشان، جنگ‌ها، تغییرات مذاهب و ...

۶- مراقبت و نگهداری داوطلبانه ساکنان بومی از این عناصر که به حفاظت پویا از منابع طبیعی و عناصر انسان‌ساز.

۷- تدوین قانون‌ها نانوشته به طور ناآگاهانه برای مراقبت از این عناصر که ریشه در باورهای ساکنان بومی داشته و مجازات افراد خاطی از سوی نیروهای ماورالطبیعه.

بحث و نتیجه‌گیری

طبیعت به عنوان خاستگاه بشر، بهترین سند برای بررسی تکامل و بشر و تکوین باورهای اوست؛ از این رو هر اقلیمی دربرگیرنده مجموعه‌ای از تحولات انسانی در طول تاریخ خود بوده است. با اندکی توجه می‌توان دریافت که هرمنطقه‌ای که از لحاظ خصوصیات اقلیمی در شرایط ویژه‌ای قرار داشته و بستر تعدادی از عناصر فیزیکی و بیولوژیکی خاصی از نوع طبیعی بوده است، از لحاظ ویژگی‌های تاریخی نیز دارای فراز و فرودهای زیادی بوده است.

این مسئله نه تنها در ایران، بلکه در تمامی دنیا (همانطور که در قسمتهای اولیه تحقیق مطرح شد) امری جهانشمول بوده که بازتاب باورها و خاطرات جمعی بومیان هر خطه را از طریق نحوه رفتار آنها با طبیعت از قبیل حفاظت، باززنده سازی و یا حتی از بین بردن آن، نشان می‌دهد.

تقدس قابل شدن برای عناصر طبیعی که بشر در بستری از آن به وجود آمده، زندگی می‌کند و می‌میرد، نیز امری ناخودآگاه و اجتناب ناپذیر بوده که در برخی مواقع بروز بیرونی پیدا می‌کند. این مطلب در ایران به دلیل طولانی بودن تاریخ تمدن آن دارای نمونه‌های عینی فراوانی است.

سیدان با داشتن خصوصیات ویژه تاریخی و طبیعی، مجموعه کاملی از نمونه مناظر مقدس در ایران را در بر گرفته که می‌تواند به عنوان الگویی برای شناختن این مناظر مورد استفاد قرار گیرد. از سوی دیگر با توجه به شاخصه‌های مناظر فرهنگی، این منظر می‌تواند به عنوان یکی از بخش‌های مجموعه تاریخی پارسه، به تکمیل شدن و درک بهتر پیوستگی این منظر فرهنگی کمک شایانی کند. در نتیجه، پارسه به عنوان ارگ حکومتی، در بستری از

گذارده و با شاخه‌های مورد آن را زینت می‌دهد و حیوان را به جای پاکی برده و در آنجا به دعا می‌پردازد... (وزارت فرهنگ، ۱۳۲۹). همان‌طور که از نوشته‌ها پیداست، ایرانیان قدیم برای مورد قبول واقع شدن نذوراتشان باز هم از گیاهان استفاده می‌کردند، با توجه به این که گیاه مورد در منطقه سیدان جزو گیاهان بومی و خودرو این منطقه محسوب می‌شود، بنابراین فرضیه ویت کمب در خصوص مقدس بودن این مکان قوت می‌گیرد.

در هر صورت گیاهان در این منطقه نقش مهمی را ایفا می‌کنند. علاوه بر این که معیشت اکثر مردم سیدان از طریق کشاورزی تأمین می‌شود، تقدس گیاهان نیز ریشه در باورهای مردم دارد به گونه‌ای که تا به امروز با وجود ناملايمات بسیار مردم این منطقه اهمیت خاصی برای گیاهان قائل بوده و در حفظ و نگهداری آنها تلاش می‌کنند.

نتایج

از مطالعه شهر سیدان و نمونه‌های دیگر مناظر مقدس در دنیا، می‌توان به شباهت‌هایی میان تمام مناظر مقدس پی برد. چنین مشابهت‌هایی به استخراج الگوی اصلی مناظر مقدس می‌انجامد. البته شایان ذکر است که هر یک از مناظر مقدس با توجه به جغرافیا، اقلیم، فرهنگ و مذاهب محل وقوع، منحصر به فرد بوده و استخراج یک الگوی واحد برای کلیه مناظر امکان پذیر نخواهد بود؛ اما همان‌طور که ذکر شد، با مطالعه آنها به شاخصه‌های مشابهی میان همه آنها می‌توان دست یافت. در اینجا به برخی از شاخصه‌های مشترک در مناظر مقدس اشاره می‌شود:

۱- وجود عناصر خاص فیزیکی و بیولوژیکی طبیعی در منظر (چه از لحاظ کمیت، و چه از لحاظ کیفیت) که جنبه احترام و تقدس در بین ساکنان بومی منطقه را داشته باشد (به عنوان مثال وفور آب، یا وجود شکل خاص و ویژه‌ای از آب در یک منطقه).

۲- وجود عناصر بارز انسان‌سازی که ریشه در باورهای مذهبی ساکنان منطقه داشته باشد. اغلب این عناصر پیشینه تاریخی دارند.

۳- پیوند قوی بین عناصر طبیعی مورد احترام و عناصر انسان‌ساز مقدس، به گونه‌ای که تداوم یکی بدون دیگری قابل تصور نباشد.

۴- تداوم ارزشهای مذهبی در عناصر طبیعی و انسان‌ساز در طول تاریخ و عدم تغییر کاربری آنها با توجه به تغییر مذاهب (به

تشکر و قدردانی

این تحقیق با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران انجام شده است. بدین وسیله نویسندگان این مقاله از کلیه دست اندرکاران معاونت پژوهشی تشکر و سپاسگزاری می‌کنند.

یادداشت‌ها

- ۱- کلیه اطلاعات برگرفته از سایت شهرداری سیدان به آدرس <http://seydancity.ir> است.
- ۲- در بین محققان اسلامی بعضی از متقدمان و متأخران رسائل اخوان صفا را به جمعی از علمای مسلمان بصره نسبت داده‌اند.

زمین‌های زراعی و باغهای میوه، در کنار منازل مسکونی مجموعه‌ای است از یک اکوسیستم انسانی، که در صورت اثبات فرضیه تقدس شهر سیدان، این اکوسیستم انسانی تکمیل خواهد شد.

چنین سیستمی دارای پیوستگی و ارتباطات فراوانی بوده و جریان‌های فراوانی به طور پیوسته در طول تاریخ در آن ادامه دارد. استفاده از الگوهای به‌دست آمده از این مناظر فرهنگی و یافتن ارتباطات قسمت‌های مختلف آن با یکدیگر، کمک شایانی به امر حفاظت از این مناظر و کارآمد بودن آنها خواهد کرد. تبعات استفاده از این الگوها می‌تواند به حفاظت پویا و مؤثری از منابع طبیعی منجر شود.

منابع مورد استفاده

- ابن بلخی، قرن پنجم هجری شمسی. فارسنامه ناصری.
- چنیدی، ف. ۱۳۸۳. حقوق جزا در ایران باستان. نشر بلخ
- دبیا، د. انصاری، م. ۱۳۷۴. باغ ایرانی. مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم. نشر رسانه پرداز
- رستنده، ا. ۱۳۸۶. زمین‌پارسی: برنامه‌ریزی و طراحی منظر در دوران ساسانیان. انتشارات مفتون همدانی
- مصطفوی، م. ت. ۱۳۴۳. اقلیم پارس. نشر انجمن آثار ملی.
- نصر، ح. ۱۳۷۷. نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت. انتشارات خوارزمی.
- نقی زاده، م. ۱۳۸۲. مشخصه‌های آب در فرهنگ ایرانی و تأثیر آن بر شکل‌گیری فضای زیست. مجله محیط‌شناسی. صص ۷۱-۹۲
- وزارت فرهنگ. ۱۳۲۹. گزارش‌های باستان‌شناسی، جلد چهارم، ص ۹۶. اداره کل باستان‌شناسی
- Anthwai, A. et al. 2010. Conserving biodiversity through traditional beliefs in sacred groves in Uttarkhand Himalaya, India. Resources, Conservation and Recycling. vol 54. p.p.962-971
- Behbehani, H., B., Bahrami and F. i., Saman. 2010. Multidiscinary analysis of nature, culture and history in the Archeological landscape of Iran, Environmental sciences vol.7/no3/spring
- Cairns, J. 2002. Sustainability and sacred values. Ethics in Science and Environmental Politics. p.p. 15-27
- Khunbongmayum, A. D., M. L., Khan, R. S., Tripathi. 2004. Sacred groves of Manipur-ideal centers for biodiversity conservation. Current Science. Vol 87. p.p. 430-433.
- Whitcomb, D. 1969. A new Achaemenian site near perspolis, Bulletin of the asia institute, No1. Shiraz
- Word Wildlife Fund. 2005. Beyond belief: Linking faiths and protected areas to support biodiversity conservation. A research report by WWF. Equilibrium and the Alliance of Religions and Conservation (ARC).